

دکتر محمد الرضا محمدی
مدیر مسئول
انتیپیر ولی احمد عطی
هر دو شنبه و پنجشنبه به پشت تو
فارسی نشر میشود

نداء خلق

آدرس دفتر
جاده ۴ مهو ند - کسابل
تلفون ۱۰۰۰
آدرس تلگرافی "خلق"
تاسیس ۱۲ حمل ۱۳۳۰

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

شماره یازدهم

سال اول

دو شنبه ۱۶ شوره ۱۳۳۰

بار دیگر مادر وطن بسوی ماترکان است !!!

شهادت خیر تعرض به کستان بر تهاغه باقی وجودم را بهلرزه در آورد - ما خود گفتم آیا ما اولاد همان نیاکان مرد و صاحب ناموسی نیستیم که بارها در میدان مبارزه بسپار خونین در مقابل بزرگترین و اولترین دستگاه قدرت عسکری و سیاسی داد مردی داده و با توان دست و دماغ خود حق مشروع زندگی خود را ثابت کرده اند؟ آیا يك دسته عساکر ساخلوی و افراد ملکی مادر مقابل دو نفر نرال و یکصد و چند نفر صاحب منصب و اردو های منظم انگلیس و توپخانه و دسته های سواره قوی دشمن در مهو ند با همه پلان و پروژه حربی شان غالب نشده و تا امروز تاریخ بیگانگان نام تاهی ان مردان را با افتخار قید نکرده است؟ آیا مهاجمین بزرگ و نامدار به پیدران مرد و ما ناموس ما باج نداده و از خیبر با بدرقه افضائی عبور نکرده اند؟ آیا نادر نظر به نوشته خود انگلیس ها يك افغان را با بیست نفر هندی از روی شهامت و غیرت مساری نمیداند؟ آیا همان خون پاک و مقدس در عروق و شراین ما جریان نداشته و ما از مبارزه برای دفاع از توامیس و شرافت ملی خود خوف داریم؟ بی و ملیون ها بار بی ! اولاد افغان از آمو تا سند همان مردان فدا کار و ما ناموسی اند که در هر زمان بمقابل دشمن در خشان ملت افغان را که پیدران ما با خون خویش در صفحه برای فدا کردن جان و مال خود حاضر بوده و باز هم میتوانه تاریخ روز گلر ثبت کرده اند مطالبه نمایند و یقین کنند که به آشوب طلبان و خائنین و اجیران دستگاههای دسیسه و استعمار در میدان مبارزه درام حقیقی و روشن داکتر برایدن منافع برادران پشتون خود را تا دریای سعد يك قضیه حیات را نمایش داده و بدنی ثابت کند که روح شهامت و مردی و ایثار در وجود اولاد افغان نمرده و تا جهان باقی است انشاء اله نخواهد مرد - باری ای هموطنان ! برای يك مرد با ناموس و با شهامت ننگ است که حکومت به کستان - یا یک دسته اجیران و غلامان استبداد و استعمار بر خاک ما حمله نمایند و ما خاوشر با شیم • بیایند از شاه جوان حیات خود را نوشته و از دشمنان ملی خود انتقامیکه تاریخ بان بنامزد بستانند • (محمودی)

و مهو خود جدا در خواست تمائم تا امر دهند به جنگهای زبانی و مشا جرات قلبی خاتمه داده و اجازه بفرمایند تا جوانان و شیر مردان افغان این لکه سیاه تجاوز و تخطی را از دامان پاک و با شرافت ملت افغان با خون خویش شسته و ضرب و توان بازوی افضائی را یکسانی که پیدران شان تا هنوز در اعماق خاک سیاه از شدت آن میارزند نشان داده و حقایق کهن را بار دیگر روشن سازند - ای شاه عزیز و نامور ما ! ما از روی وجدان و شرافت عرض میمائیم که در مقابل تجاوز اجنبی و پلان های شوم استعمار برای حفاظت و صیانت توامیس ملی جان و اولاد خودی را با افتخار فدا ساخته و حاضریم با ز همان روح شهامت - غیرت و وحدت فکر و عمل قوم افغان را در مقابل تجاوز دشمن و وطن ثابت سازیم - درست است ما از جاه و جلال مادی چیزی نداریم - راست است که ما تازه بدیمو کراسی آغاز کرده و برای تنویر افکار خلق و تقویه بیدیان روحی قوم خود در داخل سخت مبارزه میمائیم - حقیقت است که ما اختلاف نظری داریم ولی این اختلاف فکر و نظر در همه دنیا موجود بوده ولی مرادف با شقاق و تفاق نیست - اما دشمنان افغانستان باید باری بخود آیند - صفحات کارنامه های مردان فدا کار و ما ناموسی اند که در هر زمان بمقابل دشمن در خشان ملت افغان را که پیدران ما با خون خویش در صفحه برای فدا کردن جان و مال خود حاضر بوده و باز هم میتوانه تاریخ روز گلر ثبت کرده اند مطالبه نمایند و یقین کنند که به آشوب طلبان و خائنین و اجیران دستگاههای دسیسه و استعمار در میدان مبارزه درام حقیقی و روشن داکتر برایدن منافع برادران پشتون خود را تا دریای سعد يك قضیه حیات را نمایش داده و بدنی ثابت کند که روح شهامت و مردی و ایثار در وجود اولاد افغان نمرده و تا جهان باقی است انشاء اله نخواهد مرد - باری ای هموطنان ! برای يك مرد با ناموس و با شهامت ننگ است که حکومت به کستان - یا یک دسته اجیران و غلامان استبداد و استعمار بر خاک ما حمله نمایند و ما خاوشر با شیم • بیایند از شاه جوان حیات خود را نوشته و از دشمنان ملی خود انتقامیکه تاریخ بان بنامزد بستانند • (محمودی)

نظر به آنای محترم و مصوبی در باره اصول نامه مطبوعات: آنای محترم مخصوصی شرحی که نمیتوان مع الاسف نظر به ضروری قطع نامه داء خلق آن را نقل کرد بطور مفید مسه نوشته و بهای دیگر بندگی درین اصولنامه تراقص نمودند و موجود میباشد لهذا به منظور ارفقای یک فریضه من و جلیب نقدی نیز تفاوت پیدا میکند که این هم عادلانه میباشد توجه مقامات تقصیریه و اجرائیه دولت اینکه به تحلیل تراقص علاوه بر آن فرضا اگر نا طاق هایدات برهه داده شده باشد موجود در اصولنامه مطبوعات می بود ازهم آیا جریبه نشود؟

۱ - در فصل اول اصولنامه در حالیکه باید احکام اساسی و مخصوصا مقصد اصولنامه مطبوعات نیز ذکر میگردد روزنامه ها و مجلات و کتب و رسایل به شرح از طبع و نشر تمیها تعریفانی در باره مطبوعات - مطبوعه - طابع - نشر قابل ملاحظه نیست اما اگر شخصی از راه مطبوعات در جهت نشر و توزیع روزنامه - مجله - نشرات موقرته - مدیر مسئول - نام جزا داده میشود (از طرف دیگر در تبصره اول همین صاحب امتیاز - اعلان - عایدات یو میه بدون داشتن - نامه جزا داده میشود) که برای این که این ضایع قانون رعایت رابطه با کدام ماده اصولنامه توضیح شده است - در جمله این تعریفات از همه اولتر جالب توجه تعریفی است را جمع به مطبوعات - زیرا چنانچه در اصولنامه تذکر رفته در تعریف مطبوعات تمام روزنامه ها - جراید - مجلات و رسایل ان فلم های سینما که مطابق تعریفات اصولنامه از جمله موقرته کتب - رسم - ریکارد ها و فوتوگرافی - رادیو - سینما - تیاتر - خطابه و غیره شامل شده است - تا جای

که مطالعه داریم ارتباط فوتوگرافی - رادیو - سینما و تیاتر و خطابه را با مطبوعات فهمیده نتوانستیم اگر چه اینها نیز از وسایلی است که ذریعه ان میتوان اظهار فکر و عقیده نمود ولی با وصف ان نباید همه تحت مفهوم مطبوعات داخل اصولنامه مطبوعات باشد زیرا هر کدام این و سایر خصوصیات علیحده داشته و مستلزم نظام قانونی جداگانه عرض اندام میکند - اول این که مفهوم فن صحافت مهم است میباشد و اگر مقصد از ذکر ان باین جانشان دادن ارتباط ان بریاست مطبوعات است این مقصد باید ذریعه اصولنامه مطبوعات بن بلکه تر سط قوانین علیحده صورت میگرفت در جمله تعریفات فصل اول تعریف عایدات یو میه که تحت فقره (ل) ذکر شده نیز قابل دقت است - لزوم تذکر این

تعریف چنانچه از محتویات اصولنامه بر می آید از لحاظ تطبیق جزا های مطبوعاتی مشتق میکنند ولی من گمان میکنم تذکر چنین تعریفی که تطبیق ان بوز جزا های مطبوعات را غیر عادلانه ثابت موسازد موردی نداشته باشد زیرا گذشته آنکه تشبیه عایدات یو میه در ذات خود یک مسئله مشکل است تطبیق ان در یک جریمه از طرف چند شخص از تکالیف میشود نیز عادلانه گفته نمی شود مثلا اگر (بقیه در آتی)

مکاتیب وارده :

۳۱۰ - ۲۹۰ - ۲۰

سر ماموریت پولیس کا بل شعبه
مخصوص

آقای ولی احمد خان عطائی مدیر مسئول جریده بداء خلق
مدیریت امتیه وزارت داخله تحت مکتوب نمبر ۱۴۵ - ۲۰ ر ۲۰

خبر نشر با اساس ارقامی نمبر ۱۶ - ۲۰ ر ۲۰ - ۲۰ مدیریت عمومی

تشریح ریاست مستقل مطبوعات برنگار... شاغلین غورستان
در شماره هفتم بداء خلق تحت عنوان ژورنه خلق مضبوط

نوشته که در آن مقایسه شده بر خلاف ماده ۲۰ قانون مطبوعات
درین جملا ت که میگوید (حکومت حاضره ما اهلیت و استعمار

ازاله و استیصال این مصائب و درای های ما را ندارد زیرا این
حکومت امتحان خود را داده است و لزومی ندارد و حتی در

از مصلحت است که از موده باز آزمایش میشود زیرا برای ترقی
ملکته تنها تیک و لو موجود هم باشد کفایت نکرده و بلکه

اهلیت - صداقت و کار دانی هم لازم است) بشخصیات تصریح
صریح نموده است و لهذا بایست طبق ماده فرق مجازات

شود - ریاست مطبوعات با اساس قانون همیشه مجرای مطبوعات
تا ششماه حبس تعیین میکند به پاس این که نامبرده متسویب

مصارف است حکم میکند که سه ماه حبس برایش کافی است -
اصولا بالا یش تطبیق شود و مدیر مسئول جریده نیز که

این جملا ت را بدون اصلاح نشر کرده است مطابق ماده
(۲۱) پانزده روز عایدات جریمه شود و چون همین شماره

را از خوف سانسور نیز بریاست مطبوعات فرستاده بودند -
مطابق ماده ۱۲ دو ماهه عایدات دیگر نیز جریمه شود -

قرار تشریحات فوق نظر بابت ریاست مطبوعات حسب ماده ۴۶
فصل چهارم اصولنامه مطبوعاتی جزای آن ها عملا تطبیق

شود - لذا جریمه مذکور را که عبارت از دو ترم ماهه عایدات
شما باشد زود تر تحویل و رسیدگی را بما گسیل کنید تا همه

مرجعیین تقدیم داده شود (محل امضاء سرماور)
هموطنان گرامی ای یک ماه و چند روز از نشر این نامه ملی

می گذرد عده زیادی از جوانان و افراد حساسین بما حقارتی
را نوشته اند - اما از جمله مکاتیب و مضامین وارده چیزیکه تا

کنون نشر شده در اثر ان اولاً آقای محمد اصف خان حسینی
و ثانیاً آقای غلام علیخان نیسان محصل صف چهارم فناگراشته

سایس بدون محاکمه و بدون حق استیفاء حبس شده و آقای
فراق (قرار اظهار خود در) طرد شده اند و طوریکه می

گویند ولی ماقطما باور کرده نمیتوانیم اوامری صادر شده است

که دیگر مامورین دولت نباید با روزنامه های ملی همکاری
نمایند - بر خلاف اظهار مکتوب مذکور ما در همان روز

نامه خود را بریاست مطبوعات فرستاده بودیم و ریاست
مطبوعات صاحب امتیاز نامه را با استیصال بریاست -

خواستیم ولی مو صوف دادیم که مقصودشان چه بوده و
چه فرمایش داشتند زیرا در صحیفی که (باج) محمد هاشم

خان معروف و آل رئیس مطبوعات نموده و از قصور قانون مطبوعات
حرف زدند و سپس مو صوف گفته های صاحب امتیاز نامه را

تا نزد فرموده و هم وضع بسیار با شرفانه نمودند - کذا
بار سوم است که مدیر مسئول نامه را مدیریت عمومی تشریحات

جاری می نمایند و ازان ها ذریعه استعمال رسمی سوالی
می نمایند ولی خیلی تمحیب ابر است که استعمال را با و

تداوم و فقط در مقابل سوالات خود از وی استحضاری
میگردد و حتی خلاف قانون از هر یک کسانی میبرستند که

بر نوشته شان ایرادی هم ندارند و این نوشته خیرهش
را نیز رسماً به مدیر مسئول نموده و بلکه در استیصال میکند در

نزد خود شان محفوظ است از وی استحضاری میگردند -
این است رو فردی که کراسی در ملکات و مخالفت با قانون

مطبوعات پس ما از هموطنان گرامی و نویسندگان حصاس
تعداد داریم که چون مطابق ماده ۴۶ قانون مطبوعات تحقیق

و قضایه یعنی محاکمه علنی و ازاد وجود نداشته و ریاست
مطبوعات خلاف قوانین همه دنیا و قانون اساسی افغانستان

بدون محاکمه و تحقیق امر صادر میکند پس نویسندگان ملی
توانند نوشته های خود را از اداره بداء خلق و پس برگرفته

و خود را از خطر حبس بدون محاکمه و خلاف قانون نجات
دهند - و اگر باز هم حاضر اند در مقابل اظهار حقارت

ایثار و ثبات شان دهند پس تقاضای ماستیم که لطفاً همه
کسانی که نوشته های شان تا کنون نشر شده است با و

دیگر ازاد شود و با کتب ارقام فر ما بدولت ما علی روس
الا شهادت تمام هموطنان گرامی خود بشهادت خدای توانا

اعلان و تصدیق می نماییم که تا آخرین قطره خون شو پیش برای
دفاع از حقوق مشروع ملی خود و هموطنان گرامی خود و آزادی

نموده و شهادت میگردیم اگر روزی با افتخار بگرویم
حاصل عمر نثاره یا ری کسردم

شادم از زندگی خویش که کاری کردم
(محمدری - عطائی)

قدم در راه وضع سره تفاهم :

مکتوب و ارده :

این نامه ایست که دانشمند گرامی شاعلی فریض محمد خان سابق وزیر معارف مرهبط بمقاله که بمقام (ف . م) در روزنامه رسمی انیس در روز ۹ و شنبه ۹ نور نشر شده و فردای آن بمده (محمودی) جوابی در آن باره نوشته بودم تحریر کرده اند - بمده بمقام عالی علمی و شخصیت وزیر موصوف ممترف بوده و معتقد بوده و هستم که جناب شان ازین گونه اعمال خلاف قانون و پشت پرده بیزار بوده و آنرا از شان و شرف خود دور میدانند - اگر مقاله بمده شایسته در نزد شان تولید کرده باشد بمده باین وسیله از جناب شان معذرت خواسته و اینک نامه شان را هم عینا در این جا نقل میمائیم :

جناب برادر عزیز القدر محترم آقای دکتور محمودی !

شندم که اشتباهی ایجاد شده که مقاله ف . م را بر علیه شما من نوشته باشم زیرا ف . م مخفف اسم منس حالا که من ف م نیستم اگر چیز بنویسم باضا فیض کابلی خواهم نوشته و هیچ ترسی از هیچ کس ندارم که اسم خود را جعلی شایع کنم - و هم میگویند که ان برادر ارجمند جوابی به مقاله ف م داده اید که راجع بمن میباشد - مقاله جوابیه شما را مطالعه کردم آنهم بمن راجع نبرد زیرا من فعال ما برید هیچوقت نبودم و نیستم بمیدانم ف م کهست و فعال ما برید شما چه کسی است ؟ خواستم باین نوشته اگر اشتراکی باشد از خاطر شما رفع شود - اگر لازم میبینید در جریده نداء خلق شایع کنید منون میباشم با احترام مورخه ۱۳ تور ۱۳۳۰ (فیض کابلی)

از حاشیه قاضی ملا نصر الدین -

کار و فعالیت - بانی سبلی و قربان صاحب گفتن - فارول کم نشین و با عزت باشین را یاد داشتن .

اقتضات محیط و تجربه - وسیله خوب دفاع برای عدم لیاقت و اهلیت و ادراک .

اطفال - بیچاره های که بازنگاههای شان کوجه های متعفن - هر از هزاران کتافت و مکتوب است :

پلان های چند ساله - نشر کلمات مطعطن و با شرنگ در رادیو و روزنامه ها - چند روز تلفون ها و دو بد تها

و باز چند کلفند سپاه را در خانه میز انداختن .

شاعلی لعل محمد خان احمد زئی

تطبیق قوانین راجا من گنیم

قانون متشکل از الفاظ جامد است که خود بخود تاثیر کرده نمیتواند بسرقانونی که وضع میشود وظیفه قوه اجرائیه میباشد که آن را جامعه عمل پیرا شده و تطبیق کند و ان هم وقتی ممکن میشود که حکومت برای ملت و با انتخاب ملت باشد و به پشتیبانی و اعتماد ملت تشکیل شود .

اگر چه راجع بروج تباه کن ازدواج در مملکت تشراف شد و لواج بیاس گردید لیک در ساحه عمل و تطبیق هیچ اثر مثبت ان دیده نشد چون این رواج موجوده ازدواج - مخصوصا در عصر اتوم برای ملت ما نهایت شرمناک و تنگین است لهذا خواستم افکار مؤثرین و مقامات مسئول را باین

طرف جلب نموده عرض نمایم که باین مضارف و مخارج کسر شکن تو یانه از یکطرف مقررات اسلامی پرایمال و از جانب دیگر جوانان و دو شیخگان ما را بد بخت ساخته و به سیاه روزی و هزاران فجایع رهنمونی میکند و حتی احتمال خود کشی درین رواج و رسوم موجوده ازدواج متصور است کذا سایر بد بختی ها و کشمکش های فامیل و طلاق ها از همین ناحیه نشئت میکند . پس اگر پدران طالب پول و خانه های لو کس در شهر نو و کارته و اسبام بانک باشند و دختر ۱۴

ساله خود را با شرایط مذکوره به پیر هفتاد ساله بد عهد طبعما سیاه روزی بار آورده و جوانان صاحب تربیه و تعلیم که فاقد همه چیز اند در اثر همین سابق بختیافت و رشوه خواری مجبور می شوند - در حالیکه اگر قوانین موضوعه ما در طاق فراموشی گذاشته شده و قوه اجرائیه مانتواند درین راه کوچکترین قدمی بردارد پس بر جوانان بیدار و افغان است که برای جلوگیری این رواج تباه کن خواه به

وسیله تبلیغات و خواه بواسطه حسد احزاب ملی و مجاهده ادربین راه اقدام کنند و الا از فساد جوانان جامعه بر باد و تباه میگردد .

اشتراک

کابل : ۴۰ افغانی سالانه
ولایت : ۴۵
خارج : ۵۰ دالر

قیمت یک شماره ۰۰۵۰۰۰

مطمعه - گسنتتر شخصی نداء خلق - کابل